

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۱
۱۹ مارچ ۲۰۱۵

آیا افغانستان «حاکمیت ملی» دارد که نقض شود؟

رنگین دادر سېنتا مشاور پیشین «امنیت ملی» دولت کابل و مغز متفکر و تئوریسن اشغال افغانستان در مقاله ای تحت نام (تسلیمی محسود به پاکستان، تداوم ابهام ستراتیژیک نقض صریح حاکمیت ملی افغانستان) از عملکرد اشغالگران امریکائی در تحویلی لطیف الله محسود به دولت پاکستان سخت «انتقاد» کرده و این اقدام را «غیر قانونی» خوانده است!! او می نویسد که سپردن محسود «نقض صریح حاکمیت ملی افغانستان» است!!

در این مقاله آقای سېنتا ادعا دارد که گویا افغانستان در سیزده سال گذشته دارای «حاکمیت ملی» و «تمامیت ارضی» بوده و در سیاست خارجی خود مستقل عمل کرده و هیچ وابستگی به اشغالگران مخصوصاً امریکا نداشته است!! اما آیا واقعاً «حاکمیت ملی» افغانستان از سوی امریکائی ها در سپردن محسود «نقض» گردیده؟ آیا پس از تجاوز آشکار امریکا به افغانستان در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ که حتی بدون معطلی در گرفتن مجوز چوبدستش (شورای امنیت ملل متحد) وحشیانه به کشور ما از زمین و هوا حمله کرد و به ابتدائی ترین حقوق ملل که همانا داشتن (حق تعیین سرنوشت) می باشد، به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان احترام گذاشت؟

آقای سېنتا در این مقاله بازی با کلمات را به راه انداخته و احتمالاً دو هدف را پیش می برد؛ یا می خواهد به نحوی دوباره در قدرت سهمیم گردد و یا این که عده ای از دنیا بی خبر را اغفال کرده و با زدن نقاب روشنفکر (چپ) بر چهره، اعمال سیزده سال گذشته خود را بپوشاند، وگرنه کسی که از چهره های شناخته شده سیاست جاری کشور ما می باشد و تا واپسین روزهای حکومت کرزی وظیفه «مقدس» مشاور امنیت «ملی» را در دولت کرزی عهده دار بود به خوبی می داند که حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان سال ها قبل از سوی امریکائی ها و سایر اشغالگران غربی شدیداً نقض گردیده است.

جواب این سؤال ها زمانی آفتابی می گردد که نظری گذرا به سیاست ها و عملکرد های امریکای جنایتکار در سیزده سال گذشته بیندازیم و از لحظه ورود متجاوزان غربی به افغانستان تاکنون برخورد و عملکرد آنها را به صورت گذرا مرور نمائیم.

هجوم وحشیانه اشغالگران غربی به سردمداری امریکا زیر نام «جنگ علیه القاعده و طالبان» به افغانستان، جزء لاینفک ستراتیژی آسیائی امریکاست که سال ها قبل از تجاوز از سوی تئوریسن های کاخ سفید و نظامیان پنتاگون طرح و در اکتوبر ۲۰۰۱ عملاً مرحله به مرحله تطبیق گردید. در این ستراتیژی جایگاه ایجاد پایگاه های نظامی در خاک ما برای امریکائی ها خاص می باشد. امضای «پیمان ستراتیژیک» با دولت خود ساخته کابل و به تعقیب آن امضای

«قرارداد امنیتی» بیانگر آن است که افغانستان یکی از مناطق بسیار مهم برای ستراتیژی آسیائی امریکا محسوب می گردد. مسایلی که در این اسناد آمده و آقای سینتا به خوبی به این موضوعات واقف است، به خودی خود نشان می دهد که امریکائی ها با افغانستان منحنیث یکی از ایالت های امریکا عمل می کنند و هرگز افغانستان را منحنیث یک کشور مستقل به رسمیت نمی شناسند.

تمویل و تجهیز نیروهای امنیتی دولت کابل مخصوصاً پرداخت سالانه بیش از چهار میلیارد دالر به اردوی «ملی» از سوی امریکا، وابستگی شدید نظام سیاسی کنونی به کمک های پولی امریکا و شرکاء، جابجائی هزاران مشاور امریکائی در تمامی ادارات و نهادهای دولتی، قتل و کشتار ده ها هزار افغان در طول سیزده سال گذشته از سوی امریکائی ها، داشتن زندان های متعدد امریکا در سراسر کشور، ایجاد بیش از ۹ پایگاه نظامی امریکا در کشور، بمباران همه روزه بر خانه و کاشانه مردم توسط طیاره های بی سرنشین و با سرنشین امریکائی، گشت و گذار وسایط جنگی امریکائی ها در شهرها، قراء و قصبات افغانستان، جست و جوی همه روزه خانه های توده ها در بیشتر از یک دهه گذشته، رفت و آمد مکرر و دوامدار مقامات بلند پایه دولت کابل به سفارت امریکا و صدها نمونه از این گونه مسایل و قضایا بیانگر واضح و آشکار این موضوع است که افغانستان عملاً مستعمره گردیده و در کشور های مستعمره حاکمیت ملی و تمامیت ارضی معنی و مفهوم خود را از دست می دهند.

آقای سینتا به خوبی می داند که افغانستان کاملاً یک کشور وابسته است و هیچ صلاحیتی در سیاست های داخلی و خارجی خود ندارد، اما چرا حالا جلالی شده و از نقض «حاکمیت ملی» سخت «انتقاد» می کند؟ چرا زمانی که مشاور امنیت «ملی» دولت کرزی بود، عملکرد امریکا را «غیر قانونی» نمی خواند؟

در نقض صریح حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان توسط امریکای جنایتکار نزد افغان های آزادیخواه هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد و خلق اسیر ما به خوبی می داند که از آوان تجاوز آشکار امریکا تاکنون افغانستان هیچ گاه مستقل نبوده و دولت های ساخته شده همه از سیاست های کاخ سفید و پنتاگون پیروی کرده اند.

سینتا با نشر چنین نوشته های ظاهراً «تند» و «انقلابی» می خواهد دوباره در قدرت سیاسی کنونی نقش داشته باشد و به راه سیزده سال گذشته خود که همانا خدمت به ستراتیژی آسیائی امریکا می باشد، ادامه دهد. او که بعد از ایجاد «حکومت وحدت ملی» و به گفته رئیس «پارلمان» «حکومت وحدت ملی یک حکومت اجباری و شکل گرفته در صحن سفارت امریکا می باشد»، بی سرنوشت مانده و از دایره قدرت عقب زده شده با چنین نوشته هائی، جز رسیدن به قدرت سیاسی چه هدفی می تواند داشته باشد؟

پر واضح است که در هیچ مقطعی از تاریخ پر فراز و نشیب کشور ما، وابستگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتا فرهنگی در افغانستان به این اندازه عمیق نبوده و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی آن نقض نگردیده است. با آن که در طول تاریخ، کشور ما بارها مورد تاخت و تاز همسایه ها و جهانگشایان غدار قرار گرفته و استقلال آن بارها سلب گردیده، اما وضعیت اسفبار کنونی هرگز اتفاق نیفتاده است.